

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال ششم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

ترجیع بندی نویافته از میلی مشهدی^۱

یدالله عابدی نهرخلجی^۲

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

دکتر مهرداد چترایی عزیزآبادی^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسؤول)

دکتر قربانعلی ابراهیمی^۴

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

چکیده

«سفینه نظم و نثر قرن دهم هجری» از جمله سفینه‌هایی است که آگاهی‌های ارزشمند و ابیات نویافته‌ای دارد. نویسنده گمنامی این سفینه را نوشته است. این اثر به شماره ۸۹۸۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. در این سفینه، اشعار شاعران متعددی جمع‌آوری شده است. یکی از این شاعران زبردست که برخی آثارش از دید محققان مغفول مانده است، میرزا قلی میلی مشهدی است. میلی در سرودن غزل، قصیده، ترجیع و ترکیب توانایی‌های خود را نشان داده است. پژوهش پیش‌رو مطالعه‌ای نظری است که به شیوه پژوهش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است. این پژوهش پس از معرفی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۲

۱ تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱/۱۲

۲ abdydallh@gmail.com

۳ m-chatraei@iaun.ac.ir

۴ ghorbanali.ebrahimi333@gmail.com

اجمالی سفینه ارزشمند نظم و نثر، نخست به شخصیت میرزا قلی میلی مشهدی (هروی) و سپس به ترجیع‌بندی نویافته از وی می‌پردازد؛ در نتیجه جایگاه و مرتبه شعری این شاعر بزرگ شناسانده خواهد شد و ترجیع‌بندی با ۱۱۰ بیت تازه‌یاب معرفی می‌شود که تاکنون در دیگر منابع نیامده است.

واژه‌های کلیدی

نسخه‌های خطی، سفینه‌ها، دیوان میلی مشهدی، ترجیع‌بندِ نویافته

۱- مقدمه

هرگونه جست‌وجو و مطالعه درباره شعر دیرپای فارسی، بدون مراجعه به سفینه‌ها و جُنگ‌ها، کاری ناتمام خواهد بود. سفینه‌ها و جُنگ‌ها به علت اینکه دست‌نوشته‌های قدیم را از دستبرد زمانه محفوظ داشته‌اند، بسیار اهمیت دارند. دست‌نوشته‌ها و نسخ خطی میراث ماندگار اقوام و ملت‌ها به شمار می‌آیند. این آثار آینه تمام‌نمای علمی، فرهنگی و هنری یک ملت هستند؛ به عبارتی دیگر، نسخه‌های خطی از عناصر مهم تبادل تجربیات و دانش بشری در طول قرون متمادی به شمار می‌آیند. به همین علت، در مطالعات و پژوهش‌های تاریخی، فرهنگی، هنری و ادبی جایگاه مهمی دارند. این مرقومه‌ها که همانند گنج‌های گران‌بهایی در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شوند، دربردارنده اطلاعات ارزشمندی در موضوعات مختلف مانند نجوم، طب، تاریخ و ادبیات به زبان‌های فارسی و عربی هستند. «جُنگ‌ها بهترین و ارزنده‌ترین نشانه طرز فکر مردم مملکت و هر دیار محسوب می‌شوند و نخستین گام برای شناخت و شناساندن یک ملت متمدن و دستیابی به آثار فرهنگی اوست» (فدایی، ۱۳۸۶: ۲۵). جُنگ‌ها یا سفینه‌های^۱ ادبی مشتمل بر اشعار یا بخش‌هایی از متون متشور هستند که غالباً مطابق با علاقه ناسخ و جامع خود تنظیم شده‌اند و بازتاب‌دهنده دلبستگی‌های شعری و

فرهنگی مردمان آن زمانه هستند. این مجموعه‌ها به دلیل دربرداشتن نام، اشعار و آثار شاعران گمنام، اهمیت ویژه‌ای دارند.

امروزه با انتشار تحقیقات و بررسی‌های سفینه‌پژوهان، جای تردیدی نیست که در تصحیح و تنقیح دیوان شاعران، به‌ناچار باید به جُنک‌ها و سفینه‌ها دقت نظر داشت؛ چه بسا با مدافقه در سفینه‌ای، بیتی نویافته از ابیات شاعری برجسته یا قطعه شعری از گوینده‌ای گمنام به دست آید که موجب تکمیل دیوان شاعر و یا مقدمه شکل‌گیری بحث‌های نو ادبی در قلمرو شعر فارسی خواهد شد. «جُنک‌پژوهی یکی از ضرورت‌های فرهنگی و تحقیقی ما به شمار می‌آید و تا این سفینه‌های ارجمند و دریای معلومات نهفته در آن مورد شناسایی و تحلیل علمی قرار نگیرد، هر کوششی به‌منظور شناخت دقیق و جامع از فرهنگ، تاریخ و ادب ایران، کژی و کاستی‌هایی خواهد داشت» (عظیمی، ۱۳۸۹: ۱۴).

یکی از سفینه‌هایی که در گذر زمان گمنام باقی مانده است، «سفینه نظم و نثر قرن دهم هجری» با نویسنده‌ای ناشناس است. به نظر می‌رسد این نسخه متعلق به قرن دهم بوده است و شامل مجموعه‌ای از شعر شعرا و نثر نثرنویسان می‌شود. در این سفینه آثار منظوم و منثور بیش از چهل تن از شعرا و ادیبان آورده شده که به‌صورت تک‌نسخه‌ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

یکی از شاعرانی که تعداد بسیاری از اشعار وی در سفینه نظم و نثر قرار دارد، میرزا قلی میلی مشهدی است. باتوجه به استعدادی که در عرصه‌های مختلف شعری از خود نشان داده، شایسته و بایسته است که درباره جمع‌آوری آثارش، نوعی بازنگری صورت گیرد. میرزا محمدقلی خان تکلوی هروی متخلص به «میلی» از گویندگان بنام در سده دهم هجری است. از جمله آثار وی دیوان اشعار است که قصاید، غزلیات، ترجیع و ترکیب‌بند را در بر می‌گیرد. درباره نسخه‌ها و منابعی که شعر میلی در آن قرار دارد، احمد گلچین معانی می‌گوید: «پنج نسخه از دیوان میلی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۳: ۲۵۵۷-۲۵۵۸) نشان داده شده

است، ولی هیچ‌یک کامل نیست. نسخه‌ای هم در فهرست ریو (ص ۶۶۶) ذکر شده مشتمل بر دو هزار و پانصد بیت و بیشتر غزل است» (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۳۹). وجود این نسخه‌ها دلیل محکم و متقنی بر وزانت و شهرت شاعر و ارزشمندی شعر وی، در آن دوره و زمان است. دیوان شعر میلی مشهدی تاکنون یک بار و به کوشش محمد قهرمان تصحیح، معرفی و چاپ شده است. در پایان این دیوان ترجیع‌بندی ناتمام آمده است که محمد قهرمان درباره این ترجیع‌بند می‌گوید: «قسمت‌های قبلی این شعر - که به احتمال قوی ترجیع‌بند بوده است - از نسخه^۲ ب^۲ ساقط است» (میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۲۵۲). نگارندگان با جست‌وجو در سفینه نظم و نثر قرن دهم هجری توانستند این ابیات را شناسایی و برای نخستین بار ترجیع‌بند نویافته‌ای از میلی مشهدی معرفی کنند.

روش تحقیق در این پژوهش به تناسب موضوع، توصیفی - تحلیلی است. پس از معرفی سفینه نظم و نثر قرن دهم هجری، نخست به زندگی‌نامه میلی مشهدی و درنهایت به ابیات نویافته وی پرداخته شده است.

۱-۱ پیشینه پژوهش

تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند، تاکنون پژوهش‌های زیر درباره احوال و آثار و اشعار میلی مشهدی انجام شده است:

محمد قهرمان در سال ۱۳۸۳، دیوان میلی مشهدی را به چاپ رسانده است. در این دیوان ۳۰۵ غزل، تعدادی ابیات متفرقه، ۲۰ رباعی، ۳۱ قصیده، ۲ ترکیب‌بند و ۲ ترجیع‌بند چاپ شده است که یکی از آن ترجیع‌بندها ناقص است و ابیات افتاده دارد. در مقاله دیگر به قلم آقای علی محمد مؤذنی در سال ۱۳۹۰ درباره جریان‌های شعری عصر صفوی، از شاعران برجسته مکتب وقوع و میلی مشهدی سخنی به میان آورده است. در سال ۱۳۹۱، محمدرضا مشهدی در مقاله‌ای، به سبک وقوع در غزل‌های میلی و ویژگی‌های شعری این شاعر اشاراتی داشته است. در سال ۱۳۹۵ سیده زهرا اختر نیز در مقاله‌ای به بررسی دیوان شاعر و

ویژگی‌های مکتب وقوع پرداخته است. مقاله‌ای دیگر در سال ۱۳۹۶ با عنوان «میلی مشهدی ستایشگر دین و دولت» به کوشش غلامرضا تمیمی تواندشتی نگاشته شده است؛ در این مقاله سیر تحول مدیحه‌سرایی از آغاز تا قرن دهم بررسی شده است. با وجود تحقیقاتی که درباره سبک و شیوه شعری میلی مشهدی انجام پذیرفته، تاکنون برای تکمیل دیوان این شاعر مکتب وقوع، پژوهشی انجام نشده است.

در این پژوهش، ابیاتی نویافته در قالب یک ترجیع‌بند ارائه خواهد شد که به دلیل تازه‌یاب بودن، زمینه تکمیل دیوان میلی مشهدی را فراهم می‌کند؛ همچنین از این ابیات در تصحیح دوباره دیوان میلی می‌توان بهره برد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱ معرفی نسخه خطی سفینه نظم و نثر قرن دهم هجری

در میان نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه‌ای با عنوان «سفینه»، به شماره ۸۹۸۲، موجود است که به لحاظ متون نظم و نثری که در آن نوشته شده، در مواردی نویافته و بی‌سابقه است و به همین سبب ارزش و اهمیتی بسیار دارد.

نویسنده و گردآورنده این مجموعه، ناشناخته است. خط آن نستعلیق و حجم آن ۲۵۰ برگ است. اسامی شاعران، برخی آیات، نکات مهم، حروف، کلمات اختصاری و احادیث به رنگ سرخ یا سبز و زرنگار نگاشته شده است. نسخه رکابه‌نویسی دارد. برگ‌ها به عدد شماره‌گذاری شده‌اند؛ ولی با توجه به نوع خط و مرکب استفاده‌شده به نظر می‌رسد، این شماره‌گذاری متأخر است و مربوط به کاتب نیست. در بعضی برگ‌ها - به ویژه در اواسط نسخه - چند بیتی محو شده است. در برخی صفحات ریختگی جوهر و نمودی به وضوح دیده می‌شود. از برگ ۲۳۳ تا پایان نسخه به خط جدیدتری نگاشته شده است و احتمالاً کاتب آن تغییر کرده است. تاریخ کتابت این نسخه نامعلوم است. در صفحه آغازین نسخه،

تملک «اسدالله» نوشته شده است و در پایین آن نقشی از مهر مستطیل طغرای «اسدالله» وجود دارد که در بالای نشان شیر و خورشید و در پایین آن عبارت «معین الرعایا ۱۳۰۷» حک شده است. در برگ ۱۰۹ نسخه، چندین بار نقش ناقصی از یک مهر بیضوی وجود دارد که عبارت «بدل بنده مهر محمدتقی ۱۰۵۸» کوفته شده است. در برگ ۲۱۴ مهر مدور ناقصی به نقش «بنده آل محمد...» نقش بسته است.

کاتب، این سفینه را با جملاتی از مجالس شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی، چنین آغاز می‌کند:

«دیباچه سفینه، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، سپاس بی‌غایت و ستایش بی‌نهایت، آفریدگار را جلّ جلاله و عمّ نواله که از کمال موجودات و دریای وجود شخص انسانی سفینه‌ای پردقیقه پرداخت و هرچه در اصناف و اوصاف و صور عالم مختلف دنیوی و اخروی تعبیه داشت، زبده و خلاصه همه درین سفینه خزینه ساخت؛ و درین دریا از خصوصیت «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» سیر ترقی خزاین سفینه را کرامت بفرمود؛ و درود بی‌حدّ و ثنای بی‌عد بر پیشوای انبیاء و مقتدای اصفیاء محمد مصطفی باد که سفاین اشخاص انسانی را ملّاحی است و دریای بی‌نهایت حضرت ربّانی را سیّاح، صلواتُ الله علیه و آله اجمَعین» (سفینه، برگ ۲).

کاتب با جملاتی بی‌نقطه در وصف بهار، سفینه را به انجام می‌رساند. از برگ اول تا برگ ۲۲۳ سفینه، در متن هر صفحه، از متون منثور جملاتی آورده شده است و در حاشیه هر صفحه، اشعار شاعرانی از قرن دهم هجری گردآوری شده است. از برگ ۲۲۴ تا پایان سفینه، از نثر خبری نیست و در متن و حاشیه، ابیات شاعران نوشته شده است. این سفینه بدون انجامه است. جلد این سفینه از نوع تیماج دورو بوده و در لبه نسخه نام «جنگ حکایات» نوشته شده است. در برگ ۲۴۷ سمت راست بالای صفحه، ابیاتی چند از نگارنده ناشناس سفینه آورده شده است و بالای ابیات عبارت «لِرَاقِمِهِ» نقش بسته است.

دوش در میخانه ساقی برد از من هوش را

ساخت هشیار از می غفلت من بی‌هوش را
ز رویم اشک گلگون شست رنگ زعفرانی را
کسی از چشم خود هرگز ندید این مهربانی را
نه ناز است این که دارد در چمن نرگس به هم چشمان
که دارد از خمار خواب صبح این سرگرانی را
جوش زد سودای عشقش از سر پرشور ما
بسا سرشار می‌باشد می هر جوش را
(سفینه، برگ ۲۴۷)

در برگ ۲۴۷ سمت چپ، اشعار ذیل با امضایی ناخوانا نوشته شده است:

دوش اندیشه مرگ آمد و هشیار شدم
من و مرغ سحری دوش به گلزار شدیم
شب در اندیشه آن شعله عارض خفتیم
یاد آن خواب گران کردم و بیدار شدم
آنقدر ذکر تو کردیم که از کار شدیم
صبحدم سوخته بودیم که بیدار شدیم
(همان: ۲۴۷)

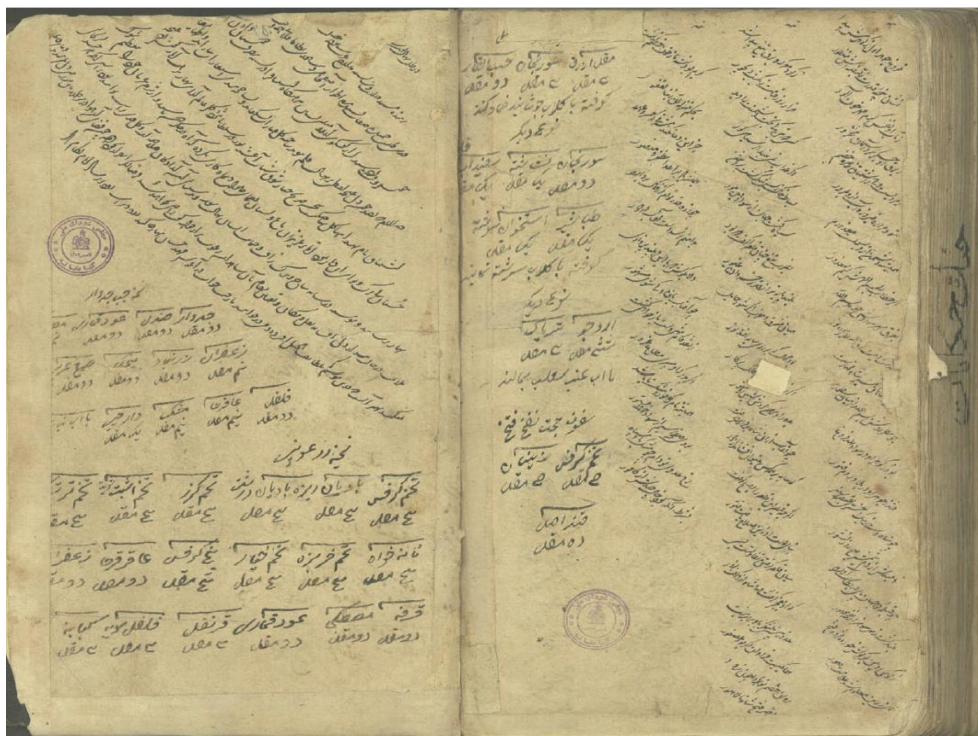
به بزم وصل تو شد جرعه‌ای حواله ما
چنان ز نکهت وصلت شکفته غنچه دل
که ساز رقص کند در ته پیاله ما
که شمع مهر فروزد ز داغ لاله ما
(همان: ۲۴۷)

شاعران این مجموعه شعری به ترتیب چیدمان اشعارشان که در سفینه آمده است، عبارت‌اند از: علی نقی کمره‌ای کاشانی، رضی‌الدین آرتیمانی، والهی قمی، ابوتراب بن علی بیک فرقتی کاشانی، کمال‌الدین وحشی بافقی، شریف تبریزی، محمد بن علی عرفی شیرازی، خواجه کرمانی، محمد ظهوری ترشیزی، شکیبی اصفهانی، فصیحی هروی، نظام‌الدین شیرازی، میرزاقلی میلی هروی، زکی همدانی، امیدی تهرانی، ملا شانی تکلو، غیاثی حلوی شیرازی، محمد طالب آملی، طبعی قزوینی، محمدقلی سلیم تهرانی، آنیسی

شاملو، نُوعی خبوشانی، حکیم رُکنا، پرتوی شیرازی، صوفی مازندرانی، حکیم اقدسی، مرشد بروجردی، قطران تبریزی، خاقانی، شاه طاهر دکنی، شیخ فیضی دکنی، ولی دشت بیاضی، قاضی نورالدین محمد اصفهانی، خواجه حسین ثنایی، میر سید علی، سلمان و واعظ‌الانام. نثرنویسان این مجموعه عبارت‌اند از: سعدی شیرازی، امام محمد غزالی، بدیل بن علی خاقانی، حسین بن علی واعظ کاشفی، حسین بن مُعین‌الدین میبدی، میرحسینی هروی، شاه طاهر دکنی، حسین بن محمد خوانساری، عبدالباقی نهاوندی، فیضی دکنی، عبدالرحمن بن احمد جامی.



تصویر شماره ۱: برگ اول



تصویر شماره ۲: آخر سفینه

۲-۲ معرفی نسخه‌های دربردارنده اشعار میلی

باتوجه به منابع چاپی، فهرست‌های نسخه‌های خطی و تذکره‌های فارسی، اشعار میلی مشهدی در نه نسخه، تذکره و کتاب چاپی موجود است که دلیلی محکم بر اصالت و شهرت شاعر و ارزشمندی شعرش در عصر خود است:

- ۱) نسخه متعلق به کتابخانه ملی ملک، به شماره ۵۱۶۰؛
- ۲) نسخه متعلق به کتابخانه موزه بریتانیا به شماره QR314؛
- ۳) نسخه متعلق به کتابخانه هر دیال دهلی به شماره ۱۳۰؛
- ۴) خلاصه اشعار و زبدة الافکار، تألیف تقی‌الدین کاشانی؛

(۵) تذکره خیرالبیان تألیف ملک‌شاه حسین سیستانی؛

(۶) عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تألیف تقی‌الدین محمد اوحدی بلیانی اصفهانی؛

(۷) آتشکده، لطفعلی بیگ آذر بیگدلی؛

(۸) تذکره ریاض‌العارفین تألیف آفتاب رای لکهنوی؛

(۹) دیوان میلی مشهدی تصحیح محمد قهرمان.

۲-۳ شرح حال و زندگینامه میلی مشهدی (هروی)

میرزا محمدقلی میلی مشهدی (هروی) از شاعران قرن دهم هجری است که به استادی در شعر شناخته شده بود. از تاریخ تولد او آگاهی نداریم. درباره نام و نسب و تخلص او چنین آمده است: «میرزا محمدقلی تکلوی هروی متخلص به «میلی» از گویندگان بنام در سده دهم هجریست، اسم او و تخلصش را معمولاً در تذکره‌ها "میرزا قلی میلی" و گاه "میلی تُرک" نوشته‌اند و نسبت "تُرک" از آنجا می‌آید که او از طایفه تکلو، قبیله‌ای از ترکمانان که سپاه قزلباش را تشکیل می‌دادند، بود» (صفا، ۱۳۷۱، ج ۵: ۷۲۹). غالب تذکره‌ها محل تولد وی را هرات و جایگاه تربیت و شکوفایی‌اش را مشهدالرضا دانسته‌اند. درباره پسوند «هروی» که در برخی منابع به میرزاقلی داده شده، آمده است که «این سخنور را گاه به هرات منسوب داشته‌اند که در دوره صفویان مرکز خراسان و محل تجمع فضلا، شعرا و هنرمندان بوده است» (میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۱۴). درباره اهلیت پدر وی چنین نقل می‌کنند: «میرزا قلی میلی - اصل وی از مشهد مقدس رضویه است و بعضی مردم آنجا می‌گویند پدر وی از هرات بوده و از آدمی زادگان آنجاست، لیکن در مشهد مقدس توطن نموده» (میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۱۴).

درباره زیبارویی و طبع موزون میرزا قلی در تذکره‌ها آمده است: «وجه حسن، و خلق مُستحسن داشت و از رموز عشق آگاه بود و طبعش در نظم، شکفته و دلخواه» (حسن خان بهادر، ۱۳۸۶: ۶۹۴).

دربارهٔ طبع شاعری و تبخّر میلی آورده شده است که «میلی هروی - میرزاقلی نام دارد، صاحب دیوان است و صاحب طرز. سلیقهٔ شعر آنچنان داشت که اگر تا این زمان (=۱۰۰۴ ه) زنده می‌ماند، اکثری از این خامکاران را دل از سودای شعر سرد می‌شد» (بداونی، ۱۳۷۹: ۳۲۹). میلی در زمان شاه طهماسب صفوی تحت ارشاد سلطان میرزای جاهی قرارداشت؛ «جاهی وی را تربیت کرده، ترقی عظیم داد و بعد از شهادت میرزای مغفور به هندوستان آمده سیاحت می‌نمود تا به حق پیوست» (واله داغستانی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۲۱۶۳).

از شعر این شاعر خوش‌قریحه و زبردستی وی در غزل‌سرایی در بیشتر تذکرة‌های شعر پارسی یاد شده است: «الحق از شعرای معروف مذکور است. غایت نزاکت معانی، لطافت فکر، جزالت الفاظ، دقت خیال، سلاست بیان، حلاوت آدا با کلام او هست... بسیار خوش طرز و منقح‌گوی، از حشو و لغو خالی است و از منفردان زمان خود است» (اوحدی دقایی بلیانی، ۱۳۸۹: ۴۲۰۴).

گلچین معانی نیز به نقل از خلاصه‌الشعار دربارهٔ شعر میلی مشهدی آورده است: «در وادی شاعری، تاج تارک ارباب فصاحت و ساقیهٔ بحر بلاغت است، یگانهٔ عهد و مشارالیه زمان خود است و در طرز غزل و شیوهٔ سخن‌گستری نظیر ندارد و در فن قصیده نیز از شعرای بلاد خود وانمی‌ماند، بلکه بعضی را مدعا آن است که در وادی قصیده نیز از امثال و اقران خود، مثل خواجه حسین ثنایی و مولانا ولی دشت بیاضی در گذشته و در مضممار شاعری قصب السبق از اقران، ر بوده» (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۳۸۵).

شعر میلی در تمام قوالب شعری دارای اهمیت است؛ «ارزش وی در آن است که سخنی ساده و دور از ابهام و تعقید دارد و معانی خود را در هر مرتبه و میزانی که باشد، در کلامی که مناسب و مساوی آنست می‌گنجانند» (صفا، ۱۳۷۱: ج ۵: ۷۳۰). میلی به نازک‌طبعی و حسن شعری زبانزد بوده است؛ «اغلب تذکرة نویسان "لطف طبع" و "ذوق عشق‌بازی" او را ستوده‌اند» (انوشه، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۰۲۳). میلی از جمله شعرائی بوده است که سفر را بر

حذر ترجیح داده و با سیر آفاقی در پی کسب روزی، همواره به دنبال اکتساب معارف جدید نیز بوده است. «براساس نوشته خلاصه‌الاشعار، پس از آنکه میلی در مشهد شهرتی به هم زد، به سبزواری رفت، ملازمت سلطان ابراهیم را اختیار کرد و از او تربیت یافت. سپس چون خاطر شاهزاده از وی مکدر شد، رخت به قزوین کشید و قدرت خود را برای شعرای پایتخت ظاهر ساخت. بعد از چندی به دعوت میرجهانگیر، امیرالامرای خان احمد به گیلان سفر کرد. سال‌های ۹۷۴ و ۹۷۵ را به تحقیق در آن خطه بوده، زیرا مرثیه‌ای برای پسر خان احمد ساخته که در ۹۷۴ درگذشته است و نیز علی‌خان پسر سرفراز سلطان را در ۹۷۵ هجری کرده هم از وقایع این دوره است که با حالت مستی، با حیاتی - از شعرای آن دیار که از سفر هند آمده بود - منازعه کرده و شمشیری بر دست او زده است» (میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۲۴). میلی از میرجهانگیر که امیرالامرا بوده، توقعی داشته است؛ وقتی که ظاهراً این توقع به ظهور نمی‌رسد، نزاع و جدالی بین او و امیرگیلان به وقوع می‌پیوندد؛ میلی نیز او را هجو می‌کند. هجوی که برای میرجهانگیر سروده و در آن گفته است که به وعده وفا نکرده و مرا فریب داده است:

<p>ایا چو زال کهنسال دهر، پر نیرنگ گهی پیام و گهی نامه می‌فرستادی ز شومی طمع خام، آمدم آخر کشیدم آینه تحفه از صحیفه نظم به بازگشتم آهنگ شد پس از عمری شب وداع، به صد وعده‌ام ز ره بردی بهانه ساخت جنگ سپاه شاه، از شهر تو کردی آن به من و با تو کردم اینها من</p>	<p>به ریو و رنگ چو روبه، دورنگ همچو پلنگ که خیز و جانب گیلان کن از عراق آهنگ به مجلس تو، چه مجلس، کلیسای فرنگ که صفحه‌اش زدم عیسوی گرفتی زنگ که با تو بود مرا جنگ اختلاط آهنگ که تا صباح، رضا ساختی مرا به درنگ صبح ناشده جستی برون چو تیر خدنگ که با کسی نکنی آنچه کرده‌ای با من (میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۲۴۷)</p>
---	---

میلی ناچار از گیلان برآمده و متوجه خراسان و قندهار شده است؛ ولی اطلاع در دست نیست که چه مدت این حدود به سر برده و کی عزم هندوستان کرده است. «مؤلف نفایس‌المآثر می‌نویسد که میلی در سال ۹۷۹ به هند رسیده است» (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۶۲). شاعر ضمن قصیده‌ای که در مدح سلطان حسین میرزا، حاکم قندهار سروده، به سفرهای خود و نیز قصد عزیمت به هندوستان اشاره کرده است و اینکه می‌خواهد قدرت خود را بر سخنگویان آن دیار هم ظاهر کند:

شد سال‌ها که روز به روزم هوای سیر	مانند آفتاب، سر اندر جهان دهد
که رهنمون شود ز خراسان سوی عراق	که از عراق، سوی خراسان نشان دهد
اکنون که از عراق و خراسان دلم گرفت	بختم نشان به جانب هندوستان دهد
خواهم که عندلیب خوش الحان طبع من	شرمندگی به طوطی شیرین زبان دهد
دارم هوس که خامه شیرین زبان من	شیرینی‌ای به نیشکر هندوان دهد

(میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۲۱۹)

بعد از سه چهار سال اقامت در هند، پیمانه عمر میلی پر شده است و به سال ۹۸۳ یا ۹۸۴ چشم از جهان پوشید و از دار دنیا رحلت کرد. جسد او پس از انتقال به مشهد، در حومه مشهد، نزدیک باغ امین‌آباد بر سر تپه‌ای دفن شد.

درباره آثار میلی مشهدی باید به دیوان او اشاره کرد که شامل اشعار پارسی در قالب غزل، قصیده، رباعی، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و مفردات است. در باب سبک‌شناسی باید گفت میلی از گویندگان مکتب وقوع است. از ممدوحان میلی می‌توان افراد زیر را نام برد.

الف) سلطان ابوالفتح ابراهیم میرزا پسر بهرام میرزا بن شاه اسماعیل صفوی و برادرزاده شاه طهماسب؛

ب) نورنگ‌خان پسر امیرالامرا قطب‌الدین محمدخان غزنوی از امرای چهار هزاری جلال‌الدین اکبر شاه؛

ج) بهروز محمد که نام نشان زیادی از وی یافت نشده است؛
د) خان احمد گیلانی پسر سلطان حسن از سلسله کارکیا که در گیلان حکومت داشته است؛

ه) جلال‌الدین محمد اکبر بزرگ‌ترین پادشاه سلسله تیموری هند؛
و) سلطان حسین میرزا برادر بزرگ‌تر ابراهیم میرزا که حاکم قندهار بود؛
ز) قطب‌الدین محمد خان، پدر نورنگ خان.

۲-۴ ابیات نویافته در سفینه نظم و نثر قرن دهم هجری به شماره ۸۹۸۲ کتابخانه

مجلس شورای اسلامی

تا امروز تنها دیوانی که از اشعار میلی تصحیح و به چاپ رسیده، دیوانی است که به کوشش محمد قهرمان در سال ۱۳۸۳ به زیور طبع آراسته شده است. در صفحه ۲۵۲ این دیوان محمد قهرمان بخشی از یک ترجیع‌بند را به شرح ذیل آورده است.

جان یابد و از خوشی بنالد	چون در رحم اناث ^۳ ، اطفال
بدخواه تو باد تا دم مرگ	از مویه چو مو، ز ناله چون نال
بادا مه و سال بر تو میمون	تا هست شمار روز و مه، سال
من نیز تو را چو سایه باشم	گاهی به عنان و گه ز دنبال
چون وقت رسد که بر سر آید	عمر من زار مضطرب حال
پیش آیم و دامن تو گیرم	در پای تو افتم و بمیرم

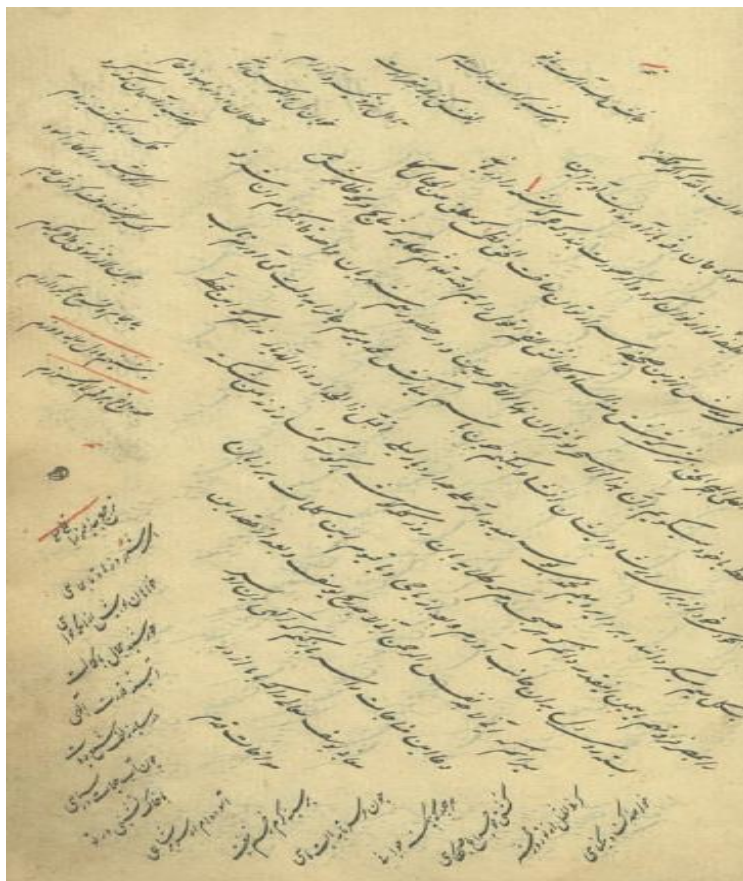
(میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۲۵۲)

محمد قهرمان درباره این ترجیع‌بند می‌گوید: «قسمت‌های قبلی این شعر - که به احتمال قوی ترجیع‌بند بوده - از نسخه بریتانیا ساقط است» (همان: ۲۵۲). ابیات نویافته میرزاقلی میلی مشهدی در سفینه نظم و نثر قرن دهم هجری، در حاشیه صفحات ۴۲ تا ۴۶ استنساخ شده است که در مجموع ۱۱۰ بیت است. جالب توجه است، ابیاتی که محمد قهرمان در

دیوان تصحیح‌شده‌اش ذکر کرده، از این ترجیع‌بند افتاده است. میلی در این ترجیع‌بند از «بهروز محمد»، یکی از ممدوحان وی، نام می‌برد.

بهروز محمد آنکه از قدر هندوی کمین اوست کیوان
(سفینه نظم و نثر: برگ ۴۵)

باتوجه‌به اینکه میلی مشهدی در اواخر عمر به هند رفت و در آنجا به دیار باقی شتافت، به احتمال قریب به یقین این ترجیع‌بند در اواخر عمرش و در زمان بودنش در هند سروده شده است. در ذیل، برگ شماره ۴۲ آورده شد که در حاشیه آن، ترجیع‌بند میلی نوشته شده است.



تصویر شماره ۳: برگ شماره ۴۲

در سفینه نظم و نثر، کاتب اشعار شاعران را با عنوان‌های قرمز یا سبز رنگ جدا کرده است؛ گاهی هم خط قرمزی بالا یا پایین عنوان‌ها کشیده است. درباره نام ترجیع‌بند میلی، کاتب در برگ شماره ۴۲ عنوان ترجیع‌بند را با خط قرمزی که بالای آن کشیده، برجسته کرده است. ترجیع‌بند میلی با بیت برگردان زیر است:

پیش آیم و دامن تو گیرم در پای تو افتم و بمیرم
(همان: برگ ۴۲)

این ترجیع ۱۱ بند دارد و مجموع ابیات آن با احتساب بیت ترجیع در همه بندها ۱۱۰ بیت است. وزن آن «مفعول مفاعله فعلون» و در بحر هزج مسدس مقبوض محذوف است. این ترجیع‌بند از پختگی و شیوایی برخوردار است. موضوع این ترجیع‌بند «دلدادگی و عشق بی حد به دلدار» است.

۲-۵ دلایل انتساب ابیات تازه‌یاب به میلی مشهدی

۲-۵-۱ سبک دوره میلی مشهدی

در سده دهم هجری، میان شعر دوره تیموری و سبک هندی، سبکی در غزل فارسی به وجود آمد که سبک وقوع نامیده شد. در این سبک، حالات عشق عاشق و معشوق به شکل واقعی بیان می‌شد. میلی مشهدی به واسطه ویژگی‌ها و نشانه‌های موجود در اشعارش از جمله، سادگی زبان شاعر، زمینی بودن عشق، کمبود آرایه‌های ادبی، جزئی‌نگری و توصیف‌گرایی در بیان روابط عاشقانه، بی‌توجهی به صنایع ادبی و تصویرسازی در شعر، از گویندگان مکتب وقوع به شمار می‌رود. محمد قهرمان در مقدمه دیوان اشعار میلی می‌نویسد: «میلی در دوران شکفتگی و اعتلای مکتب وقوع می‌زیسته است... در ربع اول قرن دهم هجری مکتب تازه‌ای در شعر فارسی به وجود آمد که غزل را از صورت خشک و بی‌روح قرن نهم بیرون آورد و حیاتی تازه بخشید و در نیمه دوم همان قرن به اوج رسید و تا ربع اول قرن یازدهم ادامه داشت» (میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۱۳).

۲-۵-۲ شاخصه‌های سبکیِ ترجیع‌بندِ نویافته و تطبیق آن با دیوان میلی

۲-۵-۲-۱ سطح زبانی

• سادگی و روانی زبان

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های مکتب وقوع آن است که کلام گویندگان این مکتب، ساده و روان است و پیچیدگی‌های معنوی و لفظی را در شعر آنها کمتر می‌توان یافت. در ترجیع‌بند نویافته‌ای که موضوع این نوشتار است نیز سادگی و روانی اشعار، آشکارا دیده می‌شود.

گفتی که تو را به دل نهم دست	از دست تو کی مرا دلی هست
آن زلف شکسته بسته با دل	هر عهد که بست باز بشکست
پیوسته دلم در اضطراب است	از من که برید با که پیوست

(سفینه نظم و نثر: برگ ۴۵)

• ترکیبات زیبا

در اشعار میلی ترکیباتی آورده شده است که به زیبایی اشعار کمک می‌کند. در قافیه غزل شماره ۲۸۱ در صفحه ۱۴۵ دیوان میلی هروی، ترکیبات و عبارات زیبایی همانند آهوی مردم‌آمیز (یار)، سلام تبسم‌آمیز، جفای تنعم‌آمیز و... واقع شده‌اند که در ترجیع‌بند نویافته نیز مشابه این ترکیب‌ها یافت می‌شود.

ای چشم تو مست فتنه‌انگیز	وی لعل لب تو آتش‌آمیز
خوش آنکه نقاب برگشایی	ز آینه روی حیرت‌آمیز

(همان: برگ ۴۳)

• ترکیبات و عبارات عامیانه و محاوره‌ای

یکی دیگر از ویژگی‌های سبک وقوع وجود ترکیبات و عبارات نزدیک به زبانه عامه مردم در خلال اشعار است. در غزل‌های میلی نمونه این ویژگی بسیار دیده می‌شود.

به روی کسی آوردن

به مردم اگر شکوه‌ای کردم از تو میاور به رویم که آزرده بودم
(میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۱۶)

سربه‌هوا

می رود بی سروپا، سربه‌هوا، ناپروا باز شوریده‌دل، آشفته دماغی دارد
(همان: ۹۰)

و در ترجیع‌بند نویافته نیز این گونه ترکیبات عامیانه و محاوره‌ای یافت می‌شود.

برهم زن کاروبار تقوی ویران کن خان‌ومان پرهیز
(سفینه نظم و نثر: برگ ۴۳)

۲-۲-۵-۲ سطح ادبی

• خالی‌بودن از صنایع لفظی و معنوی

از دیگر ویژگی‌های سبک وقوع خالی‌بودن از صنایع لفظی و معنوی است. در اشعار میلی به‌ندرت می‌توان ابیاتی را یافت که دارای چند صنعت ادبی باشند.

گر یار به‌سوی دیگران رفت سوی دگران نمی‌توان رفت
فریاد که مدعی ز پیشم با قاصد یار، هم‌زمان رفت
(میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۱۶)

بیشتر ابیات میلی دارای یک یا دو آرایه ادبی هستند که این ویژگی در ترجیع‌بند تازه‌یاب هم یافت می‌شود:

• تلمیح

از لطف تو چون عرق برآورد آب خضر از مسام مسوم
(همان: برگ ۴۶)

• متناقض‌نما

شیرین‌دهنی و تلخ‌گفتار بیگانه‌دلی و آشناخو
(همان: برگ ۴۳)

• تشبیه و استخدام

ای چشم تو مست‌فتنه‌انگیز وی لعل لب تو آتش‌آمیز
(همان)

• ایهام تناسب

بر من فکنی چو مهرِ پرتو چون ذره ز جا شوم سبک‌خیز
(همان)

۲-۵-۲-۳ سطح فکری

از نظر فکری، محور اصلی دیوان میلی، غزلیات مدحی و عاشقانه است که گاهی پند و اندرزهایی نیز در خود دارد. ترجیع‌بند نویافته میلی نیز از این ویژگی‌ها جدا نمانده است و دارای مضمون عاشقانه، دلدادگی و عشق بی‌حدّ به دلدار است.

پیش‌آیم و دامن تو گیرم در پای تو افتم و بمیرم
(همان: برگ ۴۲)

در شعر میلی که از گویندگان مکتب وقوع به شمار می‌رود، برخی مضامین زمینی و مجازی بودن عشق نیز دیده می‌شود که از ویژگی‌های مکتب وقوع است.

• طفل‌بودن یار

در غزل‌های سبک وقوع طفل‌بودن یار بسامد بیشتری دارد چنانکه میلی می‌گوید:

یاد باد آنکه دلم بود به دست تو عزیز طفل بودی و تو را مرغِ نوآموخته بود
(میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۸۰)

بخت بدبین که به میلی نکند غیر جفا خردسالی که وفا را ز جفا نشناسد
(همان: ۹۰)

در ترجیع‌بند نویافته نیز بیتی دربارهٔ طفل بودن یار آمده است:

تو خانه‌نشین و طفل محجوب من عاشق لابلالی و مست
(سفینهٔ نظم و نثر: برگ ۴۵)

• حقارت و بی‌ارزشی عاشق

از دیگر مختصه‌های سبک وقوع وفاداری بی‌حد عاشق به معشوق است که در انتها حقارت و بی‌ارزشی عاشق را به دنبال دارد. در اشعار میلی نیز این حقارت و بی‌ارزشی به‌وفور یافت می‌شود.

هر که در عربده بد مست مرا دید به خویش صد دعا کرد به شکرانهٔ دشنامی چند
(میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۷۶)

در ترجیع‌بند نویافته نیز این مضمون آورده شده است.

با ما به خوشی سخن چه حاجت چون از تو خوشیم ما به دشنام
(سفینهٔ نظم و نثر: برگ ۴۵)

• رقیبان و اغیار

در دیوان میلی مانند شاعران دیگر وقوعی، رقابت در عشق و توجه به رقیبان بسیار مدنظر واقع شده است.

میلی به سر راه تو جمعند رقیبان از یار مگر رخصت آزار گرفتند
(میلی مشهدی، ۱۳۸۳: ۷۰)

شادم که نخواهد سوی اغیار نظر کرد در بزمش اگر جای من زار گرفتند
(همان)

در ترجیع‌بند نویافته نمونه‌ای از این مضمون یافت می‌شود.

هرچند که مردم از غم تو شادم که نگشت غیر ممتاز
زلف تو به دست غیر و از رشک (سفینه نظم و نثر: برگ ۴۳)
چون زلف تو پیچ و تاب دارم (همان: برگ ۴۴)
(همان: برگ ۴۴)

ترجیع‌بند نویافته از میلی مشهدی

ای شهره ز ماه تا به ماهی خورشیدِ جمال باکمال
خورشیدِ جمال باکمال در سایه زلف شمع رویت
در سایه زلف شمع رویت با خاک نشینی در تو
با خاک نشینی در تو بر سینه گرم زخم تیغت
بر سینه گرم زخم تیغت هرچند که می‌کند جوانی
هرچند که می‌کند جوانی گری‌المثل از تو روز محشر
گری‌المثل از تو روز محشر بالله که به بی‌گناهی تو
بالله که به بی‌گناهی تو نسبت به دلم اگرچه کردی
نسبت به دلم اگرچه کردی دارم سر آنکه بار دیگر
دارم سر آنکه بار دیگر پیش آیم و دامن تو گیرم
پیش آیم و دامن تو گیرم ای چشم تو مست فتنه‌انگیز
ای چشم تو مست فتنه‌انگیز پیکان تو در هلاک باشد
پیکان تو در هلاک باشد زلف و دهن تو بر دل ریش
زلف و دهن تو بر دل ریش دل را نبود ره برون شد
دل را نبود ره برون شد بر همزن کاروبار تقوی

خواهان تو بیش از آنکه خواهی آینه قدرت الهی
آینه قدرت الهی چون آب حیات در سیاهی
چون آب حیات در سیاهی آسوده‌ام از سریر شاهی
آسوده‌ام از سریر شاهی چون بر سر تابه ایست ماهی
چون بر سر تابه ایست ماهی گشتی چو چراغ صبحگاهی
گشتی چو چراغ صبحگاهی خواهند گشاد بی‌گناهی
خواهند گشاد بی‌گناهی روح شهادت دهد گواهی
روح شهادت دهد گواهی جان‌فرسایی و سینه‌کاهی
جان‌فرسایی و سینه‌کاهی در حشر، به رسم دادخواهی
در حشر، به رسم دادخواهی در پای تو افتم و بمیرم
در پای تو افتم و بمیرم وی لعل لب تو آتش‌آمیز
وی لعل لب تو آتش‌آمیز شمشیر تو از برای ما تیز
شمشیر تو از برای ما تیز آن مشک‌فشان و این نم‌کاریز
آن مشک‌فشان و این نم‌کاریز زان حلقه گیسوی دلاویز
زان حلقه گیسوی دلاویز ویران کن خان‌ومان پرهیز
ویران کن خان‌ومان پرهیز

چون باد ز من گذر کنی تند
 خوش آنکه نقاب برگشایی
 بر من فکنی چو مهر پرتو
 پیش آیم و دامن تو گیرم
 حسن تو که پردگی شد از ناز
 زان نرگس سرگران مخمور
 چشم تو نشسته در کمینگاه
 چون بسته دل از تبسم تو
 حسن تو قدم نهاده بالا
 انجام من از غم تو مرگ است
 هر چند که مردم از غم تو
 چون لایق آن نی‌ام که باشم
 این بس که چو کلب آستانت
 پیش آیم و دامن تو گیرم
 چشم تو که هندویست جادو
 قنبدیلِ دلِ پر آتشم را
 شیرین‌دهنی و تلخ‌گفتار
 زلف تو که از درازدستی
 انگیخته آتشی ز هر چین
 دل از تو ز بیم جان‌گریزان
 مانده چشم و ابروی خویش
 افروخته‌ای سنان مژگان

تا آتش حسرتم شود تیز
 ز آینه روی حیرت‌آمیز
 چون ذره ز جا شوم سبک‌خیز
 در پای تو افتم و بمیرم
 بر خلق درید پرده راز
 می‌بارد خواب و می‌چکد ناز
 چون راه‌زنان ناوک‌انداز
 چون غنچه شود ز خرمی باز
 از رتبه سحر و حدّ اعجاز
 معلوم توان نمود ز آغاز
 شادم که نگشت غیر ممتاز
 در بزم وصال با تو دمساز
 دنبال خودم کنی چو آواز
 در پای تو افتم و بمیرم
 آهو به فسون کند سخن‌گو
 آویخته‌ای ز طاق ابرو
 بیگانه‌دلی و آشناخو
 برهم زده عالمی ز هر سو
 آویخته فتنه‌ای ز هر مو
 تو در پی آن رمیده آهو
 خنجر به کف و کمان به بازو
 انداخته‌ای کمند گیسو

کز وی شده خاک راه خوشبو
در پای تو افتم و بمی‌رم
غیر از تو کس دگر ندارم
کز همچو تویی امیدوارم
چون مار گزیده بی‌قرارم
از دست عنان و اختیارم
پیش تو هنوز شرمسارم
عشق تو ز بس که کرد خوارم
بنگر به کجا رسیده کارم
برهم زده طرز روزگارم
از جذب کمنند انتظارم
در پای تو افتم و بمی‌رم
بر هر مژه خون ناب دارم
گر آرزوی شـراب دارم
گر بی تو بر آفتاب دارم
می‌سوزم و اضطراب دارم
پنهان به دل خراب دارم
چون زلف تو پیچ و تاب دارم
وز سختی جان عذاب دارم
مشتاب که من شتاب دارم
زین جرم که صد حجاب دارم
در پای تو افتم و بمی‌رم

خواهم که چو زلف مشکبارت
پیش آیم و دامن تو گیرم
رحمی که غریب این دیارم
رحمیت به ساده‌لوحی من
زاندیشه آن کمنند گیسو
آن دست و عنان ندیدم و رفت
جان دادم و یک کرشمه دیدم
بر سر اجلم نیاید از ننگ
جان می‌دهم از برای مردن
دیروز من از خیال زلفت
خوش آنکه چو بر سر من آیی
پیش آیم و دامن تو گیرم
دور از تو دل کباب دارم
بر لعل لب تو خون دل باد
در دیده رود هزار نشتر
چون شمع در آتش جدایی
گنجیست محبت تو کان را
زلف تو به دست غیر و از رشک
در هجر تو زنده‌ام به ناکام
وقت است که جان دهم به پایت
گر بار دگر تو را به‌بینم
پیش آیم و دامن تو گیرم

ترسم که ز کثرت جدایی
 تا زلف تو هست نیست ممکن
 گلبِـرگ تری ولی نباشد
 برهم زده کفر، گیسوی تو
 گویا ز تو روزگار آموخت
 گریاد تو بی‌خودم نسازد
 ای خال تو نافه‌تتاری
 کشت این هوسم که چون ز راهی
 هرکس به دعا برآورد دست
 پیش آیم و دامن تو گیرم
 از حسرت آن می لب‌آشام
 از وصل بریده‌ام به‌ناچار
 ترسم که ز بس تپیدن دل
 بـردار محبـتم کشـیدی
 چشم تو که آفت زبان است
 در دور دو چشم پر ستیزت
 ازبهر شکار وحش و طیر است
 با ما به خوشی سخن چه حاجت
 در هجر تو زنده چند باشم
 پیش آیم و دامن تو گیرم
 گفتمی که تو را به دل نهم دست
 آن زلف شکسته بسته با دل

بیگانه شوی ز آشنایی
 از سلسله توام رهایی
 در حسن تو بوی بی‌وفایی
 بازار صلاح پارسایی
 کین‌ورزی و مهر نانمایی
 کی جان برم از غم جدایی
 وی چشم تو آهوی خطایی
 آیی به شکوه پادشاهی
 من هم به بهانه‌گذاری
 در پای تو افتم و بمیرم
 برداشته‌ام لب از لب جام
 وز کام گذشته‌ام به ناکام
 درد تو در او نگیرد آرام
 در عاشقی‌ام بلند شد نام
 صد فتنه زمانه را دهد وام
 بیگانه شد از ستیزه ایام
 زلفین تو هم کمند و هم دام
 چون از تو خوشیم ما به دشنام
 بخرام که تا به‌رغم ایام
 در پای تو افتم و بمیرم
 از دست تو کی مرا دلی هست
 هر عهد که بست باز بشکست

از من که برید با که پیوست
بی‌بهره کسی که دل بدو بست
کوتاه ز دامن توام دست
من عاشق لابلالی و مست
بی‌منت تیر و زحمت شست
از دست تو جان نمی‌توان رست
ایام چو سایه‌ام کند پست
در پای تو افتم و بمیرم
خاک قدم تو آب حیوان
درد تو مرا به‌جای درمان
از جان بتوان و از تو نتوان
از عدل خدایگان دوران
هندوی کمین اوست کیوان
دریوزه‌گر است آب حیوان
گردیده گهر به خاک یکسان
در سایه التفات خود خوان
چون سایه گذشته از سر جان
در پای تو افتم و بمیرم
با علم تو کاینات معلوم
با شعله ستیزه کی کند موم
چون قسمت رزق گشت معلوم
آب خضر از مشام مسموم

پیوسته دلم در اضطراب است
سروی که تو ابر دل بر او بست
آن سرو بلند چون نباشد
تو خانه‌نشین و طفل محجوب
دل را به خدنگ غمزه بنواز
مانند شکار زخم‌خورده
زان پیش که با قد بلندت
پیش آیم و دامن تو گیرم
ای قد تو سرو گلشن جان
زخم تو مرا به‌جای مرهم
ای آب حیات دست شستن
حسن تو به آب و آتش آمیخت
بهروز محمد^۴ آنکه از قدر
آن بحر که از نم عطایش
آن ابر که با نم سحابش
ای سرو چو من فتاده‌ای را
تا من به مراد خاطر خویش
پیش آیم و دامن تو گیرم
بر فهم تو همگان مفهوم
با تیغ تو مدعی چه کوشد
کردند کف تو را مقسم
از لطف تو چون عرق برآورد

ای آنکه بود وجود عالم	در عالم همت تو معدوم
ای آنکه ز انتقام عدلت	شمرنده ظالم است مظلوم
من بنده بنده و تو صاحب	من خادم خادم و تو مخدوم
روزی که چو جغد بایدم کرد	آهنگ خراب خویش از بوم
بی روی تو زیستن محال است	زان پیش که میرم از تو محروم
پیش آیم و دامن تو گیرم	در پای تو افتم و بمیرم

احتمالاً بند آخر این ترجیع - که بند دوازدهم است - از نسخه‌ای که کاتب از آن استنساخ داشته، افتاده است؛ زیرا در دیوان میلی مشهدی که به تصحیح محمد قهرمان رسیده است، نویسنده تصریح کرده که قسمت‌های قبلی ترجیع‌بند از نسخه بریتانیا ساقط است و می‌توان بند آخر این ترجیع را این بند قرار داد که در صفحه ۲۵۲ این دیوان به چاپ رسیده است.

باید به این نکته اشاره داشت که با وجود تلاش‌ها و کوشش‌های محمد قهرمان، تاکنون تصحیح انتقادی شایسته‌ای از دیوان میلی مشهدی صورت نگرفته است و مهم‌ترین دلیل نیز این است که هنوز نسخه‌های خطی متعددی از دیوان میلی در کتابخانه‌های مختلف ایران و سایر کشورها موجود است که چنان‌که باید گردآوری و بررسی نشده‌اند. نگاهی کوتاه به فهرست‌های نسخ خطی، این حقیقت را آشکار می‌کند.

۳- نتیجه‌گیری

دیوان میلی مشهدی یکی از گنجینه‌های شعر و ادب پارسی است. این دیوان را نخستین بار محمد قهرمان در سال ۱۳۸۳ ش. تصحیح کرد و به چاپ رساند؛ اما در این تصحیح برخی از اشعار میلی آورده نشده است. در این جستار با تکیه بر نسخه خطی سفینه نظم و نثر قرن یازدهم هجری به معرفی ترجیع‌بندی نویافته از میلی مشهدی پرداخته شد؛ در مجموع ۱۱۰ بیت اشعار نویافته به ۳۴۱۱ بیت دیوان میلی مشهدی اضافه شد تا بر این

نکته تأکید شود که امروزه یکی از منابع مهم برای هر مصححی، جنگ‌ها و سفینه‌های شعری است و با استفاده از سفینه‌هایی مانند سفینه نظم و نثر می‌توان به چاپی کامل‌تر و منقح‌تر از متون شعری و دیوان شعرا دست یافت.

پی‌نوشت

۱. برای کسب آگاهی بیشتر درباره اصطلاحات جنگ، سفینه، مجموعه، بیاض و... و تفاوت آن‌ها با یکدیگر رک. قزوینی، محمد، «استعمال قدیم سفینه به معنی جنگ» مجله یادگار، ج ۴، ش ۴ (آذر ۱۳۲۶) ص ۷۰. نیز رک. افشار، ایرج؛ سفینه و بیاض و جنگ (مقاله‌های ایرج افشار)، گردآوری میلاد عظیمی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۰، ص هفت - نه.
۲. نسخه کتابخانه موزه بریتانیا (ب) رک. قهرمان محمد، صفحه ۱۲
۳. در تصحیح دیوان میلی این کلمه در اصل «انات» نوشته شده است.
۴. بهروز محمد از جمله ممدوحان میرزا قلی میلی مشهدی بوده است. میلی ایشان را دوستانه مدح کرده است. محمد قهرمان درباره بهروز محمد می‌گوید: «از او در جایی نام و نشان نیافتم، ولی به دلیل بیت زیر از امرای هند بوده است:

جهاندارا! ز بس در رونق اسلام می‌کوش

کنون چون بیضه عنقاست در هندوستان شیشه

او را بهروز یا بهروز محمد می‌نامد:

از ثری زیر نگین تا به ثریا دارد

آسمان کوکبه، بهروز محمد که چو مهر

گل شکفته باغ سعادت و اقبال

چراغ انجمن آخرالزمان بهروز

و از او با القابی مانند کیخسرو جمشیدفر، کیخسرو گیتی‌سان و سلیمان دوم یاد می‌کند. با مطالعه قصاید مربوط، روشن می‌شود که شاعر، این امیر را دوستانه و از روی اخلاص می‌ستاید. پنج قصیده در مدح او دارد و در یک رباعی نامش را برده است. (قهرمان، ۱۳۸۳: مقدمه دیوان

میلی مشهدی). باتوجه به مطالب محمد قهرمان این ترجیع‌بند ششمین جایی است که میلی مشهدی ممدوح خود، بهروز محمد را یاد کرده است.

منابع

۱. اختر، سیده زهرا؛ معصومی محمدرضا (۱۳۹۵)، «خصایص مکتب وقوع در دیوان میلی مشهدی»، اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت، برگرفته از <https://civilica.com/doc/643765>.
۲. انوشه، حسن (۱۳۸۱)، *فرهنگنامه ادبی فارسی*، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۳. اوحدی دقاقی بلیانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹)، *عرفات‌العاشقین*، چاپ اول، جلد ششم، تهران: میراث مکتوب.
۴. آذر بیگدلی، لطفعلی (۱۳۳۶)، *آتشکده*، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
۵. آفتاب رای لکهنوی (۱۳۶۱)، *تذکره ریاض‌العارفین*، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۶. بداونی، عبدالقادر (۱۳۷۹)، *منتخب‌التواریخ*، بخش سوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۷. بهادر، حسن‌خان (۱۳۸۶)، *تذکره شمع انجمن*، چاپ اول، یزد: دانشگاه یزد.
۸. تمیمی تواندشتی، غلامرضا؛ انصاری، زهره؛ محتشم، میثم (۱۳۹۶)، «میلی مشهدی، ستایشگر دین و دولت»، دومین همایش ملی بازشناسی مشاهیر و مفاخر خراسان در ادب پارسی، مشهد، برگرفته از <https://civilica.com/doc/686598/>.
۹. شاه‌حسین سیستانی (۱۳۸۲)، *تذکره خیرالبیان*، تهران: اوستا فراهانی.

۱۰. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱)، تاریخ ادبیات ایران، جلد پنجم، چاپ ششم، تهران: فردوس.
۱۱. عظیمی، میلاد (۱۳۸۹)، سفینه و بیاض و جنگ مقاله‌های ایرج افشار، تهران: سخن.
۱۲. فدایی، غلامرضا (۱۳۸۶)، آشنایی با نسخ خطی و آثار مکتوب، تهران: سمت.
۱۳. قهرمان، محمد (۱۳۸۳)، دیوان میلی شهدی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
۱۴. گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹)، کاروان هند، جلد دوم، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۵. شهدی، محمدرضا (۱۳۹۱)، «سبک وقوع در غزل‌های میلی شهدی»، فصلنامه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، س ۵، ش ۳، ۳۲۱-۳۳۶.
۱۶. مؤذنی، علی (۱۳۹۰)، «تأثیر بابا فغانی بر جریان‌های شعر صفوی»، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، س ۵، ش ۲، ۱۹-۴۲.
۱۷. نسخه متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی سفینه نظم و نثر قرن دهم هجری به شماره ۸۹۸۲.
۱۸. نسخه متعلق به کتابخانه ملی ملک، به شماره ۵۱۶۰.
۱۹. نسخه متعلق به کتابخانه موزه بریتانیا به شماره QR314.
۲۰. نسخه متعلق به کتابخانه هر دیال دهلی به شماره ۱۳۰.
۲۱. واله داغستانی، علیقلی (۱۳۸۴)، تذکره ریاض الشعر، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: اساطیر.

